

اندازه‌گیری بین نسلی تله فقر در میان نسل سنی زنان سرپرست خانوار

میر حسین موسوی^۱ و بتول آذری بنی^{*۲}

چکیده

روی هم رفته، مسئله فقر و فقر زنان به گونه خاص از جمله مسایل اجتماعی است که در سال‌های اخیر تلاش شده است راهبردهایی جهت کاهش آن اتخاذ گردد. نتایج بررسی‌های آماری نشان می‌دهد فقر و نابرابری در بین زنان بیش از مردان است. به همین منظور این پژوهش در پی آن است تا در یک مطالعه موردی در نسل سنی زنان تله فقر را مورد مطالعه قرار دهد. جهت بررسی این پدیده، نوعی الگوی داده‌سازی شبه‌پانل طراحی شده است. در الگوی طراحی شده، با ترکیب داده‌های مقطعی بودجه خانوار، رفتار متولدین 1310 تا 1350 در طی 21 سال مورد ردیابی قرار می‌گیرد. نمونه مورد بررسی در این داده‌ها، تنها شامل زنانی است که سرپرست خانوار هستند. بر همین اساس، مجموع حجم نمونه در این پژوهش شامل 18682 مشاهده در نسل سنی 1310 تا 1350 است. جهت پردازش داده‌های نمونه از نرم‌افزار STATA و روش سنجی حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در طی سال‌های یاد شده سرپرست‌هایی که دارای میانگین سطح درآمدی هستند، درون تله فقر قرار نمی‌گیرند.

واژه های کلیدی: پویایی درآمد، رویکرد نسلی، سرپرست زن، تله‌ی فقر.

1- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهرا (س)

2- کارشناس ارشد اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهرا (س)

*- نویسنده مسئول مقاله: bazari@rocketmail.com

پیشگفتار

فقر پیوسته یک مسئله عام و جهانی است که برای سالیان متمادی در بین کشورهای گوناگون وجود داشته است و با وجود رشد اقتصادی در میان کشورهای توسعه نیافته و یا توسعه یافته هم‌چنان ادامه دارد. هرچند فقر پدیده‌ای عام است، ولی گروه‌های گوناگون به لحاظ ناهمگنی‌شان به گونه متفاوت از آن متأثر شده‌اند، از این رو، بتازگی مطالعات فقر در مورد فقر گروه‌های گوناگون اجتماعی متمرکز شده است. در این بین، بخش شایان توجهی از مباحث و رویکردها به مشخصه مغفول فقر، یعنی متغیر جنسیت و تأثیر آن در تعمیق و شدت فقر معطوف شده است (Prseman, 2003). بخش شایان توجهی از این مطالعات نشان می‌دهد که هرچند فقر تمام افراد را گریبان‌گیر خود می‌سازد، ولی زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند (Bastos, 2009). این به خاطر آن است که آنان چندان از توانمندی‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند. وجود موانع و تنگناهای فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان متأثر از عوامل فرهنگی و حقوقی، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل روبرو کرده است (Prseman, 2003).

در این میان در گروه زنان؛ خانوارهای زن سرپرست نسبت به سایر خانوارها از نظر اقتصادی ضعیف‌تر هستند. بر اساس آمارهای رسمی کشور، امروزه زنان، سرپرستی 9/4 درصد خانوارهای ایرانی را به عهده دارند (Ghafari, 2006). متأسفانه، در جامعه کنونی، زندگی زنان سرپرست خانوار با مشکلات اقتصادی گوناگونی روبه‌روست. پژوهش‌ها و گزارش‌ها در مناطق گوناگون جهان نیز به تداوم محرومیت و نابرابری جنسیتی در کشورهای گوناگون، بویژه کشورهای درحال توسعه تأکید دارند. برای مثال، بر اساس آمارهای اتحادیه اروپا در سال 2005، در این قاره مؤلفه‌هایی چون فقر درآمدی، بیکاری، دستمزدها، اشغال موقعیت‌ها و پایگاه‌های شغلی مهم برای زنان پایین‌تر از مردان بوده است (Bastos, 2009). بر اساس گزارش‌های بانک جهانی بیش از 66 درصد از حدود یک و نیم میلیارد نفر از فقرای جهان را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند. این در حالی است که زنان در سراسر جهان، همواره بیش از دوسوم از بار کار را بر دوش داشته‌اند، اما تنها ده درصد از کل درآمد جهانی نصیب فقط یک درصد آنان شده است (World bank, 2000-2004). بنابراین، خانوارهایی که زنان سرپرست آن هستند، اغلب از زمره فقیرترین و عموماً آسیب‌پذیرترین خانوارها در جوامع شهری هستند. زنان سرپرست خانوار به عنوان بخشی مهم از پیکره اجتماع و نیز به عنوان یکی از گروه‌های به شدت آسیب‌پذیر جامعه، نیازمند توجه‌های ویژه‌ای از جانب محافل آکادمیک و نیز سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان توسعه هستند، به نظر می‌رسد در عرصه پژوهش‌های دانشگاهی، فقر زنان کم‌تر مورد توجه بوده و علل و راه‌حل‌های کاهش آن یا مورد غفلت واقع شده و یا اغلب از منظر غیر اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است که این موضوع را به

روشنی می‌توان در پژوهش‌های انجام شده مشاهده کرد. از این رو، در این پژوهش سعی شده است با نگاهی پویا و متفاوت تله فقر در نسل‌های سنی زن سرپرست در ایران مطالعه شود.

تله فقر شرایطی است که در آن افراد دچار فقری هستند که خارج از کنترل آن‌هاست. آزیادیس بر این باور است که «تله فقر یک سازوکار خود تقویتی¹ است که منجر به تداوم فقر می‌شود» (Azariadis, 2004). تله‌های فقر شرایط فقر را بازتولید و همیشگی می‌کنند و در آن اقتصاد در یک دور باطل گرفتار می‌شود و از توسعه‌نیافتگی پایدار رنج می‌برد. تله به یک چرخه تبدیل می‌شود و اگر گامی برای شکستن این دور برداشته نشود، شروع به تقویت خود می‌کند. هر فقری در هر زمانی یک تله نیست. فقر ممکن است موقتی باشد و افراد بتوانند از این حالت خارج شوند، اما فقر هنگامی با خود تله به همراه دارد که «دور باطل» ای تلاش‌های فقیر را تحلیل می‌برد، در این شرایط فقر پرورش می‌یابد و موقعیت مساعدتری برای بروز فقر خلق می‌گردد (Matsuyama, 2008). بسته به شرایط اولیه هر شخص، فرد می‌تواند خود را توانمند در دست یابی به نیازهای زندگی ببیند و یا دامن‌گیر فقری شدید گردد که مطلقاً اجتناب‌ناپذیر است. افرادی که درون تله فقر قرار می‌گیرند، اغلب کسانی هستند که دارای شرایط اولیه بدی می‌باشند و به تناسب آن، این شرایط اسفناک بر آینده افراد تأثیر منفی می‌گذارد و منجر به تداوم و پرورش فقر و همیشگی شدن آن می‌شود (Mckenzie & Antman, 2006). افرادی که درون تله‌های فقر اسیرند، به راحتی نمی‌توانند از این وضعیت خارج شوند. این افراد قادر نیستند کم‌ترین نیازهایشان را در رابطه با غذا، مسکن و لباس و از این قبیل تأمین کنند (Andrew Shepherd, 2008). البته، یک نگاه متعارف درباره فقر وجود دارد که هنوز بیش تر مباحث مربوط به فقر را تغذیه می‌کند. در این نگاه متعارف صرف‌نظر از این که یک فرد ابتدا چقدر فقیر باشد این باور وجود دارد که او می‌تواند با تلاش، توانایی و قدرت دورنی خود را از فقر نجات دهد (Raghfar, 2007).

چمبرز در نظریه تله محرومیت که برای تحلیل فقر در جهان سوم مطرح شده است بیان می‌کند: " فقر در حکم یک تله است که وقتی افراد گرفتار آن می‌شوند، به‌سختی می‌توانند از آن نجات یابند. فرد فقیر با یک یورش محرومیت در تله فقر و محرومیت گرفتار می‌شود. پنج نوع یورش عمده محرومیت برای افتادن در تله وجود دارد: 1. فقر: از دست دادن دارایی اقتصادی یا معیشتی 2. ضعف جسمانی: بیماری و ضعف جسمی و سوء تغذیه 3. انزوای اجتماعی، انزوای اطلاعاتی و ارتباطی 4. آسیب‌پذیری: از دست دادن مقاومت در برابر سختی و حادثه 5. بی‌قدرتی: از دست دادن قدرت چانه‌زنی و پیگیری مطالبات، این پنج نوع محرومیت متعامل بوده و یکدیگر را تقویت می‌کنند (Chambers, 1989).

¹ - Self-reinforcing

نورکس علت قرار گرفتن افراد در تله فقر را به دلیل عدم توسعه‌یافتگی کشورها می‌داند. وی در کتابش بیان می‌کند که ملل فقیر با این که هر آنچه در توان دارند، پس‌انداز می‌کنند، هم چنان فقیر هستند و هنوز توان سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی را ندارند. این پدیده نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌نیافته به احتمال زیاد در یک «تله فقر» گرفتار شده‌اند که شامل یک دور باطل از پس‌اندازهای پایین و فرصت‌های اندک سرمایه‌گذاری است. وی در نظریه دیگری نوع جالبی از تله فقر را که به وسیله جمعیت بوجود می‌آید، معرفی می‌کند. در تله‌های جمعیتی، عامل اصلی در خلق تله‌های فقر، جمعیت است. جمعیت به درآمد سرانه بستگی داشته و در صورتی که درآمد سرانه بسیار کاهش یابد، رشد جمعیت کاهش می‌یابد و اگر درآمد سرانه افزایش یابد، رشد جمعیت افزایش می‌یابد. در این حالت نیز حد آستانه‌ای وجود دارد که اگر کشوری موفق به جهش شود پس از آن یک افزایش مداوم در درآمد سرانه را تجربه خواهد کرد. این یک تفسیر در مدل متعارف است که درس‌های جالبی برای توسعه دارد چرا که بدون هیچ فرضی درباره فناوری، تله فقر را ایجاد می‌کند (Ragnar, 1953).

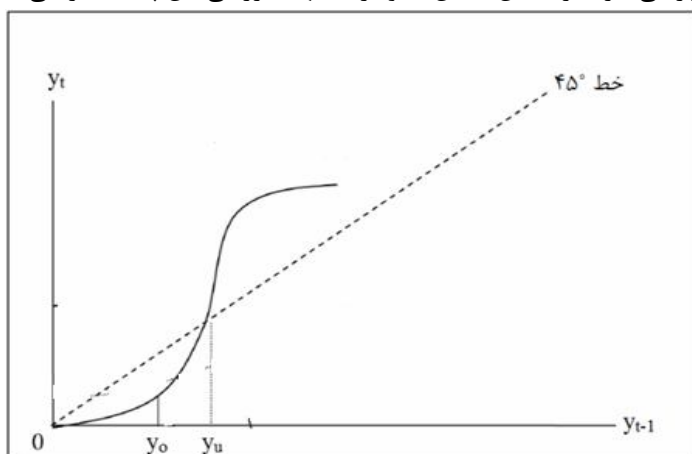
جهت اندازه‌گیری تله فقر بررسی دو مسئله اهمیت دارد: خط فقر و ساز و کار اندازه‌گیری تله فقر. مهم‌ترین مفهوم برای شناسایی تله‌ی فقر، اصطلاح خط فقر است. به باور مارتین راولیون برای شناسایی افراد فقیر از غیرفقیر باید آستانه‌ای از امکانات خانوار را تعریف کرد، این آستانه امکانات همان خط فقر است (Ravallion, 1998). خط فقر به صورت هزینه پولی که یک فرد در یک زمان و مکان معین، برای دسترسی به یک سطح رفاه متحمل می‌شود، تعریف می‌گردد. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح دسترسی دارند، غیرفقیر هستند. هدف از تعیین خط فقر به گونه معمول عبارت است از تفکیک افراد فقیر از غیرفقیر. خط فقر بر پایه معینی از درآمدها یا هزینه‌هایی استوار است که برای تهیه حداقل قابل قبولی از مواد غذایی و دیگر ملزومات اجتناب‌ناپذیر زندگی، ضروری به نظر می‌رسد. این هزینه‌ها برحسب کشورها و حتی برحسب مناطق گوناگون یک کشور معین، تغییر می‌یابند و روی هم رفته، از موازین فرهنگی و آداب و رسوم، عادت‌ها و سلیقه‌های خاص هر محل تأثیر می‌پذیرند. به همین علت است که نه فقط برای هر کشور بلکه برای هر منطقه از هر کشور، بویژه برای مناطق شهری و روستایی تهیه نوعی خط فقر مخصوص و متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محل مورد نظر ضرورت می‌یابد. اصولاً محاسبه خط فقر مشکل‌ترین مرحله در اندازه‌گیری فقر بشمار می‌رود زیرا برای اندازه‌گیری خط فقر تعاریف متعددی ارائه شده است که در همه آن‌ها نوعی محرومیت از امکانات متعارف زندگی ملحوظ است. در این پژوهش جهت محاسبه خط فقر از روش مقیاس معادل استفاده می‌شود. بر همین اساس فرمول خط فقر به صورت زیر ارائه شده است:

ضریب انگل \times مقیاس معادل \times میانگین ارزش سبد غذایی در استان = خط فقر

در این رابطه مقیاس معادل بر اساس روش ارایه شده به وسیله هاتون و خندکر (Houghton & Khandker, 2009) بکار می رود که در آن $N\alpha$ تعداد بزرگسالان و Nc تعداد کودکان است:

$$Eq=(N\alpha+4Nc)^{.85}$$

مسئله دیگری که در اندازه گیری تله فقر اهمیت دارد، ساز و کار اندازه گیری تله فقر است. جهت اندازه گیری تله فقر سازوکارهای متفاوتی ارایه شده اند که بیش تر آن ها مبتنی بر یک حد آستانه ای به عنوان خط فقر در توزیع پویای درآمدی هستند (Hein, 2011). در این پژوهش ساز و کار بکار رفته جهت اندازه گیری تله فقر برگرفته از پژوهشی است که به وسیله آنتمن و مکنزی (Mckenzie & Antman, 2008) در مکزیک انجام شده است. در این روش تله فقر به صورت پویا مورد بررسی قرار می گیرد. بر همین اساس، نمودار 1 جهت بررسی این پدیده طراحی شده است.



نمودار 1- بررسی احتمال وقوع تله فقر در پویایی غیرخطی درآمد

(منبع: (Mckenzie & Antman, 2006))

در این نمودار فرض شده است که همواره درآمد دوره t به درآمد دوره $t-1$ وابسته است، این حالت نشان دهنده پویایی این مدل است (خط 45 درجه نشان دهنده رشد متوازن است که در تک تک نقاط روی آن مقدار درآمد دوره t با مقدار درآمد دوره $t-1$ با یکدیگر برابری می کند). مدل بکار رفته در این نمودار بر اساس یک تابع رگرسیون درجه سوم با لحاظ متغیرهای تأخیری که پیش تر به وسیله جالان و راوالیون (Jalan & Ravallion, 2004) و لوکشین و راوالیون (Lokshin & Ravallion, 2004) بکار رفته است، می باشد. در این منحنی الگوی استفاده شده مربوط به یک تابع رگرسیون درجه سوم به صورت زیر است:

$$\bar{y}_{c(t),t} = \beta_1 \bar{y}_{c(t-1),t-1} + \beta_2 \bar{y}_{c(t-1),t-1}^2 + \beta_3 \bar{y}_{c(t-1),t-1}^3 + \alpha_c + \bar{\varphi}_{c(t),t} + \bar{\gamma}_{c(t-1),t-1} \quad (1)$$

که در آن t (زمان)، c (نسل) و متغیر $\bar{y}_{c(t),t}$ ، میانگین مخارج سرپرست خانوار در نسل c در زمان t است که در دوره t مشاهده می‌شود و متغیر $\bar{y}_{c(t-1),t-1}$ نشان‌دهنده میانگین مخارج سرپرست خانوار در نسل c در دوره $t-1$ است که در همان دوره داده مربوط به آن مشاهده می‌شود. با توجه به معادله 1 همواره مخارج سرپرست خانوار در دوره t در نسل c تابعی از درآمد وی در دوره $t-1$ است، به بیان دیگر $\bar{y}_{c(t),t} = g[\bar{y}_{c(t-1),t-1}]$. در این صورت با استفاده از این رابطه برای محاسبه تله فقر مبتنی بر آستانه (خط فقر) به یک شرط لازم و کافی نیاز است:

✓ شرط لازم: برای این که احتمال وقوع تله فقر در بین نسل‌های گوناگون وجود داشته باشد، باید مخارج میانگین خانوار در سال جاری از مقدار حد آستانه‌ای (خط فقر $Y_u =$ کم تر شود.

✓ شرط کافی: برای این که احتمال روبه‌رویی خانوارها در نسل‌های گوناگون با تله فقر وجود داشته باشد، باید نامساوی $g'[\bar{y}_{c(t-1),t-1}] < 1$ برقرار شود. به بیان دیگر:

$$g' = \beta_1 + 2\beta_2 \bar{y}_{c(t-1),t-1} + 3\beta_3 \bar{y}_{c(t-1),t-1} < 1 \quad (2)$$

با توجه به شرط لازم و کافی ذکر شده در قسمت بالا، احتمال رخ دادن تله فقر در سه حالت از پویایی درآمدی در بلندمدت وجود دارد:

✓ شرط لازم و کافی هر دو برقرار باشند، در این صورت خانوارها درون تله فقر قرار می‌گیرند. سرپرست خانواری که درون تله فقر قرار می‌گیرد، فردی است که به دلیل نداشتن سلامتی و توانایی لازم، شغل و یا نداشتن موقعیت اجتماعی و خانوادگی مناسب درآمد دوره t او در نهایت درآمد آتی او بسیار کاهش می‌یابد. در این حالت خانوارها همواره در حال حرکت و نوسان می‌باشند تا به گونه ای خود را از این وضعیت نجات دهند، اما آن‌ها دچار فقری می‌شوند که خارج از کنترل است. این شرایط به نسل‌های بعدی نیز انتقال می‌یابد و آن‌ها نیز همچون والدین‌شان دچار فقر مزمن و تله فقر می‌شوند (در این حالت درآمد خانوار در زیر نقطه Y_0 قرار دارد).

✓ شرط لازم برقرار باشد، اما شرط کافی نقض شود. در این حالت خانوارها در زیر خط فقر قرار گرفته، اما درون تله فقر قرار نمی‌گیرند. در این شرایط خانوارها در موقعیتی قرار دارند که درآمد دوره t آن‌ها به مرور زمان از درآمدشان در دوره $t-1$ بیش تر می‌شود. خانوارها در این شرایط سعی می‌کنند تا خود را از یک حالت ناپایدار اقتصادی به حد آستانه‌ای (حالت پایدار اقتصادی) نزدیک کنند، بنابراین در این حالت خانوارها از تله فقر دور می‌شوند (در این حالت درآمد خانوار در بین حد آستانه‌ای Y_u و Y_0 قرار دارد).

✓ شرط لازم و کافی هر دو نقض شوند، در این حالت خانوارها درون تله فقر قرار نمی‌گیرند (در این حالت برقراری شرط لازم به تنهایی کفایت می‌کند و نیازی به برقراری شرط کافی نیست. با برقراری شرط لازم خانوارها درون تله فقر قرار نمی‌گیرند).

مسئله زنان، یکی از موضوع های مورد بحث در دهه‌های اخیر در کشور بوده است، ولی بندرت پژوهش جامع و منظمی را می‌توان یافت که در مورد فقر و تله فقر زنان انجام گرفته باشد. برخی پژوهش ها در مقیاس کوچک، به گونه موردی و موضوعی بیش تر در قالب رساله دانشجویی انجام شده است که به برخی از آن ها اشاره می‌شود.

در پژوهشی که به وسیله "پاک نیت" (Pakniat, 2011) انجام گرفت، یافته‌ها حاکی از آن است که ایران تاکنون توانسته است به لطف سرمایه‌های طبیعی رشد شتابان در تولید ناخالص داخلی داشته باشد و لذا، از تله‌های فقر بگریزد. آنچه در مورد کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران مشاهده می‌شود، وجود ظرفیت‌های خالی در تولید است. نتایج گویای این مطلب است که اگر کشورها از تمام ظرفیت‌های موجود در تولید بهره بگیرند می‌توانند به گونه قابل توجهی از تله‌های فقر فاصله بگیرند.

بر اساس یافته‌های "لوکشین و راوالیون" (Michael Lokshin , Martin Ravallion, 2004) پویایی‌های درآمدی در مجارستان و روسیه غیرخطی بودند، ولی هیچ مدرکی از اثر آستانه‌ای که مرتبط با تله فقر باشد، پیدا نشد. "آنتمن و مکنزی" (Mckenzie & Antman, 2006) در پژوهشی که با استفاده از داده‌های شبه‌پانل در طی سال‌های 1987 تا 2001 انجام شد به این نتیجه رسیدند که هیچ کدام از نسل‌های سنی و تحصیلی دچار تله فقر نشده‌اند و هم چنین، تحرک درآمدی در بین خانوارهای شهری پایین است. "چیودی" (Vera Chiodi, 2009) در پژوهشی که با استفاده از روش‌های تجربی گوناگون در طی سال‌های 1997 تا 2006، در مکزیک مورد بررسی قرار گرفت، به نتایج زیر دست یافت:

شمار زیادی از شهروندان مکزیک در زیر خط فقر قرار داشته و درون تله فقر قرار دارند، بدون آن که بتوانند از فقر خارج شوند. وی خانوارها را در سه حالت از تحرک بلندمدت مورد ارزیابی قرار داد. حالت نخست، افراد درون تله فقر قرار می‌گرفتند اگر شاخص دارایی آن‌ها کم تر از 8/8 واحد فقر می‌بود. حالت دوم، تحرک نزولی به سمت تله فقر وجود داشت اگر شاخص دارایی بین 8/8 و 4/4 بود؛ و حالت سوم، به تعادل افراد غیرفقیر نزدیک می‌شدند اگر شاخص دارایی آن‌ها بزرگ‌تر از 4/4 بود. او تابع رگرسیون کوانتیلی یا چارکی را اجرا کرد و به این نتیجه رسید که احتمال وقوع تله فقر تنها در چارک‌های بالاتر وجود دارد. دوم این که او مدل مشخصه‌های درونی را معرفی کرد که نتایج آن نشان می‌داد تله فقر تنها برای خانوارهایی با توانایی پایین رخ می‌دهد که این گروه افراد با شکست بازار روبه‌رو شده‌اند و رفتار بهینه آن‌ها تغییر کرده است. در مدل آستانه‌ای، یک سطح

کمینه ای از دارایی‌های نگهداری شده در نظر گرفته می‌شود که افراد در صورت داشتن آن مقدار کمینه می‌توانند از فقر خارج شوند و خروج از فقر تسهیل می‌شود. در مورد مدل مشخصه‌های درونی، سیاست‌هایی ویژه لازم است که مهارت‌های افرادی را که با فقر روبه‌رو می‌شوند، تغییر دهد و به بهبود مهارت‌های آن‌ها کمک کند.

در پژوهش "آزودو و روبلز" (Azevedo & Robles, 2010) رابطه تله فقر و جغرافیا، با استفاده از داده‌های شبه‌پانل به گونه خطی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دهنده آن بود که فاکتورهای جغرافیایی نقشی مهم در تفاوت رشد مصرفی خانوارها در اکوادور دارند. اثرهای متغیرهای جغرافیایی در مناطق شهری و روستایی متفاوت بود و نشان می‌داد رشد مصرفی در این دو منطقه ناهمگن است، اما در نهایت آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تله فقر در اکوادور وجود دارد. "گاسپارت و توماس" (Thomas & Gaspart, 2012) در مطالعه خود این پرسش‌ها را مطرح کردند که آیا فقر کنونی می‌تواند متأثر از فقر درگذشته باشد؟ و چه عواملی بر پویایی فقر و تله فقر در مناطق روستایی ماداگاسکار اثرگذارند؟ نتایج حاکی از آن بود که خانوارهای آسیب‌پذیر نسبت به فقر، خانوارهایی هستند که تحصیلات کم تری دارند و با توجه به این که الگوی کسب درآمدی افراد در این مناطق متفاوت است، آن‌ها دارای سطح درآمدی پایین‌تر و بنابراین، نرخ وابستگی بالاتری هستند. هم‌چنین، نتایج نشان‌دهنده آن بود که فقر کنونی می‌تواند اثر واقعی بر وضعیت افراد در آینده داشته باشد. به همین جهت آن‌ها بیان کردند که باید راه‌کارهایی جهت توسعه اجتماعی فراهم گردد تا از این راه از سقوط خانوارها به درون تله فقر جلوگیری شود.

بدین سان مسئله این پژوهش این است که آیا نسل سنی زنان سرپرست شهری درون تله فقر قرار دارند یا نه؟ بر همین اساس این پژوهش در پی بررسی فرض‌های زیر است:

سرپرست‌های خانواری که با لحاظ اثرهای ثابت برآورد شده‌اند، درون تله فقر قرار نمی‌گیرند.

سرپرست‌های خانواری که بدون لحاظ اثرهای ثابت (لحاظ اثرات تصادفی) برآورد شده‌اند نیز

درون تله فقر قرار نمی‌گیرند.

ابزار و روش

جامعه آماری در این پژوهش مربوط به خانوارهای شهری زن سرپرست در کل کشور طی دوره زمانی 1369-1390 است. نمونه مورد نظر محدود به زنان سرپرستی است که دارای سن 23 تا 68 سال هستند. دامنه سنی معمولاً برای مشاغل از سن 15 تا 68 سالگی در نظر گرفته می‌شود که از طرف سازمان بین‌المللی کار دوره‌ای است که افراد شاغل می‌شوند. علت این که بازه سنی بین 23 تا 68 سال انتخاب شده، این است که در بین بازه سنی 15 تا 22 سال شمار مشاهده‌ها کافی نبوده است. هم‌چنین، در این نمونه سرپرست‌هایی لحاظ شده‌اند که متولدان 1310 تا 1350

می‌باشند. تعداد مشاهده‌ها برای سرپرست‌های متولد پیش از سال 1310 و پس از سال 1350 اندک است. به همین منظور، نمونه مورد نظر تنها متولدین این دو طیف را در بر می‌گیرد. حجم نهایی نمونه پژوهش شامل 18682 مشاهده در نسل سنی 1310 تا 1350 در طی سال‌های 1369 تا 1390 است. در جدول 1 فراوانی مشاهده‌ها به تفکیک نسل ارایه شده است. بر اساس این نتایج بیشترین و کمترین مشاهده به ترتیب مربوط به متولدین 1334-1330 و متولدین نسل آخر است.

جدول ۱- توزیع فراوانی زنان سرپرست خانوار بر حسب نسل تولد.

فراوانی	نسل سنی
1465	1310-1314
1969	1315-1320
2780	1321-1324
2756	1325-1329
3047	1330-1334
2590	1335-1339
2045	1340-1344
1295	1345-1349
735	1350-1354
18682	مجموع تعداد مشاهده‌ها

✓ منبع: یافته‌های پژوهش

جهت بررسی نمونه مورد نظر از داده‌های ارایه شده به وسیله مرکز آمار ایران استفاده شده است. این آمار از پرسش‌نامه‌هایی که هر ساله به وسیله مرکز آمار ایران به تعداد متناوب در سراسر کشور توزیع می‌گردد، استخراج می‌شود. داده‌های ارایه شده به وسیله مرکز آمار شامل دو بخش هزینه و درآمد است. در این پژوهش از داده‌های هزینه ارایه شده به وسیله مرکز آمار به جای داده‌های درآمدی استفاده شده است. گردآوری داده‌های مربوط به درآمد به دلیل حساسیت افراد در نسبت به اعلام واقعی درآمد خود در کشورهای گوناگون با حساسیت‌هایی روبه‌روست. در ایران نیز داده‌های مربوط به درآمد افراد دچار کم‌گویی شده است. به همین سبب به دلیل کیفیت بهتر داده‌های هزینه نسبت به داده‌های درآمد از داده‌های هزینه به جای داده‌های درآمد استفاده شده است.

در این مدل با استفاده از داده‌های خام هزینه، داده‌های شبه‌پانل ایجاد شدند. ساخت داده‌های شبه‌پانل برای نخستین بار به وسیله دیتون (Deaton, 1985) انجام گرفت. وی بر این باور بود که در

بیش تر کشورهای درحال توسعه داده‌های پانلی برای بررسی وضعیت خانوارهای گوناگون در طی زمان وجود ندارد، اما داده‌های مقطعی معمولاً در بیش تر کشورها موجود هستند. به همین جهت پژوهشگران برای بررسی وضعیت خانوارهای گوناگون از داده‌های مقطعی کمک می‌گیرند. با استفاده از داده‌های مقطعی می‌توان یک نمونه تصادفی از خانوارها را در طی زمان دنبال کرد، اما نمی‌توان با استفاده از این داده‌ها مجموعه مشخصی از خانوارها را در طی سال‌های متوالی مورد بررسی قرار داد. به همین خاطر، دیتون (Deaton, 1985) پیشنهاد کرد در صورت دسترسی نداشتن به داده‌های پانلی می‌توان با استفاده از داده‌های مقطعی تکرار شده داده‌های شبه‌پانل را ایجاد کرد. در این روش نسل‌هایی^۱ بر اساس بررسی‌های مقطعی تکرار شده فراهم می‌شود. این مدل متشکل از یک سری مقاطع در طی دوره‌های زمانی گوناگون است که هر مقطع بر اساس محدوده سنی تعیین شده مورد ردیابی قرار می‌گیرد. در هر مقطع داده‌ها به یک سری از گروه‌های سنی، هر کدام با محدوده سنی برابر بین دوره‌های زمانی طبقه‌بندی می‌شوند. در این مدل برای برآورد روابط اقتصادی از مقادیر میانگین متغیر نسل‌ها استفاده می‌شود و هر نسل یک سری زمانی از میانگین متغیر مشاهده‌ها را در طی زمان دنبال می‌کند. هر نسل می‌تواند بر اساس یک یا ترکیبی از چند ویژگی از خانوار ساخته شود. برای مثال ویژگی سن، تحصیل، شغل و از این قبیل. دیتون (Deaton, 1985) بیان می‌کند تنها در صورتی داده‌های شبه‌پانل اتکا پذیرند که حجم نمونه در هر نسل به میزان کافی بزرگ باشد.

دیتون (Deaton, 1997) بر این باور است که داده‌های شبه‌پانل افزون بر داشتن مزایای بسیار دارای معایبی نیز هستند. وی مزایای استفاده از داده‌های شبه‌پانل را این چنین برمی‌شمارد: ۱. در مطالعاتی که با استفاده از داده‌های شبه‌پانلی صورت می‌گیرد، مشکل ریزش در داده‌های شبه‌پانل وجود ندارد. به این معنا که در سایر داده‌ها به دلایل گوناگون برخی از خانوارها هرچند وقت یک‌بار و یا حتی سالانه از نمونه خارج می‌شوند و خانوارهای جدیدی جایگزین آن‌ها می‌شوند و بتدریج امکان پیگیری تمامی خانوارها در طول زمان وجود ندارد، اما این مشکل در داده‌های شبه‌پانل وجود ندارد و خانوارهای مشخصی که درون نسل‌ها طبقه‌بندی شده‌اند، در طول زمان مورد ردیابی قرار می‌گیرند. ۲. در داده‌های شبه‌پانل به دلیل فراهم آوردن تعداد داده‌های زیاد تورش نتایج تا حد قابل قبولی پایین می‌آید. با این حال، داده‌های شبه‌پانل دارای محدودیت‌هایی نیز هستند. برای مثال، در این مدل تنها می‌توان میانگین درآمد یک نسل در طول زمان، میزان نابرابری و چگونگی تغییر این نابرابری در طول زمان را بررسی کرد، اما هیچ بحثی از مدت‌زمانی که افراد فقیر هستند یا فقیر خواهند ماند یا این که فردی که اکنون ثروتمند است آیا پیش تر فقیر بوده یا در آینده نیز

¹ - Cohort

ثروتمند باقی خواهد ماند، ارایه نمی‌شود (Samaie, 2011)، اما با این وجود، در صورت عدم دسترسی به داده‌های پانلی داده‌های شبه‌پانل بمنظور مطالعه پویایی تغییرات درآمدی و مصرفی مناسب‌ترند.

به همین منظور، این مدل با استفاده از 21 دوره زمانی (سال‌های 1369 تا 1390) و 9 نسل سنی (متولدان 1310 تا 1350) به بررسی تله فقر می‌پردازد. در این مدل، هر گروه سنی در بازه زمانی 5 سال تقسیم‌بندی شده است و سپس بر اساس محدوده میانگین سنی خانوارها (سن 23 تا 68 سال)، مقدار میانگین مخارج واقعی (مخارج اسمی باقیمت ثابت سال 1383 تعدیل‌شده‌اند) در طی زمان‌های گوناگون مورد ردیابی قرار گرفته است. برای مثال، در جدول 2 در نسل نخست، سن سرپرست‌های خانوار در سال 1369، بین 55 تا 59 سال است. در رویکرد شبه‌پانل همواره در فاصله سنی بیان‌شده سن میانگین در نظر گرفته می‌شود. بر اساس رابطه 3 به خانوارهای درون این نسل در سال 1369 به طور میانگین سن 57 سال نسبت داده می‌شود.

$$\text{Age} = \text{year} - \text{cohort} - 1 \quad (3)$$

در رابطه بالا *Year*: سال انجام نمونه‌گیری، *Cohort*: سال تولد سرپرست خانوار و *age*: میانگین سن سرپرست خانوار در سال موردنظر است در رویکرد شبه‌پانل پویایی مدل مربوط به ردیابی خانوارها در طی زمان است. به بیان دیگر، در نسل سنی ساخته شده با گذشت زمان در هر سال یک واحد به میانگین سنی سرپرست خانوار افزوده می‌شود که نشان‌دهنده پویایی این روند است. برای مثال، اگر نسل نخست در طی زمان مورد ردیابی قرار گیرد، در هر سال یک واحد به میانگین سنی افزوده می‌شود. آخرین مشاهده در این نسل مربوط به سال 1380 است. با توجه به بازه میانگین سن سرپرست خانوار که بین 23 تا 68 سال در نظر گرفته شده است، نسل نخست در سال 1380 به طور میانگین 68 ساله می‌شود. بنابراین، مشاهده‌های مربوط به نسل نخست در این سال به پایان می‌رسد. با توجه به جدول 2 مشاهده می‌شود که هر نسل با نسل پیش و پس از خود با فاصله پنج سال در طی زمان ردیابی می‌شود. این اختلاف به این دلیل است که فاصله بین نسل‌ها به صورت پیش فرض پنج سال در نظر گرفته شده است. هم چنین، مشاهده می‌شود که نسل‌های سنی 1321 تا 1340 در 21 سال به گونه کامل دنبال می‌شوند و نسل‌های دیگر در تعداد سال‌های کم‌تری مورد ردیابی قرار می‌گیرند. این مسئله هیچ معضلی برای مدل‌سازی ایجاد نمی‌کند و الزامی برای برابر بودن طول نسل‌ها وجود ندارد.

جدول ۲- نسل‌های سنی زنان سرپرست خانوار در طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۰

سال \ نسل	1310-1314	1315-1320	1321-1324	1325-1329	1330-1334	1335-1339	1340-1344	1345-1349	1350-1354
1369	57	52	47	42	37	32	27		
1370	58	53	48	43	38	33	28	23	
1371	59	54	49	44	39	34	29	24	
1372	60	55	50	45	40	35	30	25	
1373	61	56	51	46	41	36	31	26	
1374	62	57	52	47	42	37	32	27	
1375	63	58	53	48	43	38	33	28	23
1376	64	59	54	49	44	39	34	29	24
1377	65	60	55	50	45	40	35	30	25
1378	66	61	56	51	46	41	36	31	26
1379	67	62	57	52	47	42	37	32	27
1380	68	63	58	53	48	43	38	33	28
1381		64	59	54	49	44	39	34	29
1382		65	60	55	50	45	40	35	30
1383		66	61	56	51	46	41	36	31
1384		67	62	57	52	47	42	37	32
1385		68	63	58	53	48	43	38	33
1386			64	59	54	49	44	39	34
1387			65	60	55	50	45	40	35
1388			66	61	56	51	46	41	36
1389			67	62	57	52	47	42	37
1390			68	63	58	53	48	43	38

منبع: یافته‌های پژوهش ✓

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

اندازه‌گیری تله فقر نیازمند تعیین حد آستانه‌ای فقر و در واقع، خط فقر است. با توجه به این مطلب که در این پژوهش از رویکرد نسلی برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده شده است، بنابراین، خط فقر نیز باید به گونه نسلی مورد محاسبه قرار گیرد. در این پژوهش برای محاسبه خط فقر از روش مقیاس معادل استفاده شده است. خط فقری که از روش مقیاس معادل محاسبه می‌شود، خط فقر ماهانه است. در این پژوهش نسل‌ها به صورت سالانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بنابراین، خط فقر ماهانه باید در عدد 12 ضرب شود تا خط فقر سالانه بدست آید. برای این که امکان قیاس خط فقر سال‌های گوناگون وجود داشته باشد، خط فقر بدست آمده در سال‌های گوناگون با شاخص قیمتی سال 1390 تعدیل شده است. هم چنین، با توجه به این که تعداد اعضای خانوارها در نسل‌ها و سال‌های گوناگون متفاوت است (تعداد اعضا خانوار 3، 4، 5 و تعداد کمی 6 نفره بودند)، خط فقر برحسب مقیاس معادل بزرگسال محاسبه شده است. در نهایت، با استفاده از روش میانگین‌گیری که مبنای اصلی رویکرد نسلی است، مقدار میانگین خط فقر در هر نسل محاسبه شده است. مقدار میانگین خط فقر نسلی در طی سال‌های 1369 تا 1390 برای نسل‌های 1310 تا 1350 برابر با 1161497 تومان بدست آمده است. هم چنین، نتایج جدول 3 نشان می‌دهند نسل‌های سالمند دارای کمترین میزان خط فقر و نسل‌های جوان بیشترین خط فقر را دارا هستند. دلیل این امر به احتمال زیاد، هزینه‌های کم تر نسل‌های سالمند در مقایسه با نسل‌های جوان‌تر است. نسل‌های سالمند بدلیل نداشتن هزینه‌های متفرقه مانند هزینه‌های آموزش و تحصیل، هزینه‌های مربوط به مسکن، استفاده از امکانات رفاهی و هزینه‌هایی این چنین نسبت به نسل‌های جوان دارای خط فقر کم‌تری هستند.

جدول ۳ - میانگین خط فقر نسلی.

نسل سنی	میانگین خط فقر نسلی (ریال)
1310-1314	27414422/26
1315-1320	5015840/4
1321-1324	9164454/741
1325-1329	9965975/514
1330-1334	10508478/09
1335-1339	10745657/21
1340-1344	9972580/995
1345-1349	10353351/25
1350-1354	11394057/47
میانگین خط فقر	11614979

✓ منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی

اندازه‌گیری تله فقر در یک نسل سنی به دو صورت بین نسلی و درون نسلی است. گفتنی است که در این پژوهش تله فقر به صورت بین‌نسلی محاسبه شده است. در نسل سنی 1310 تا 1350 سرپرست‌های زن دارای سطوح متفاوت درآمدی هستند. به دلیل این که در داده‌های شبه‌پانل همواره مقدار میانگین متغیرها ملاک است، بهترین راه برای بررسی احتمال وقوع تله فقر این است که میانگین تغییرات درآمدی سرپرست‌های خانوار در این نسل‌ها مشخص شود. به همین منظور، جهت برآورد احتمال وقوع تله فقر از مدل رگرسیونی ارایه شده در رابطه 1 و 2 استفاده شده است و متغیرهای مورد نظر با و بدون لحاظ اثرهای ثابت (لحاظ اثرات تصادفی) مورد بررسی قرار گرفتند. در تجزیه و تحلیل نتایج برای بررسی معنی‌داری ضرایب از مقدار T بهره‌جسته و در تمامی تجزیه و تحلیل‌ها از نرم‌افزار STATA 11 استفاده شده است.

فرضیه نخست: سرپرست‌های خانواری که با لحاظ اثرهای ثابت (اثرهای ثابت پارامتری است که ناهمگنی موجود در بین سرپرست‌های خانوار را در یک نسل نشان می‌دهد. این ناهمگنی شامل مشخصه‌هایی می‌شود که در هر فرد با فرد دیگر متفاوت است، مانند درآمد، مخارج، شغل و از این قبیل) برآورد شده‌اند، درون تله فقر قرار نمی‌گیرند.

جدول ۴- بررسی احتمال وقوع تله فقر در تابع درجه سوم با لحاظ اثرهای ثابت.

اثرات ثابت نسل	R-sq (between)	Prob	-T ضرایب	Std. Err.	مقدار ضرایب	شاخص‌های آماري
✓	0/95	0/00	-1/56	0/8764153	-1/364024	بتا یک
✓	0/95	0/00	2/01	2/04e-07	4/12e-07	بتا دو
✓	0/95	0/00	-2/26	1/31e-14	-2/94e-14	بتا سه
Mean						مقدار جواب
3132991						

✓ منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس مقادیر آماره t در جدول 4 تمامی ضرایب بتا در سطح 95 درصد معنی‌دار بوده و سطح معناداری کوچک‌تر از 0/05 است. بنابراین، تمامی نتایج بتا در فاصله اطمینان بدست آمده از لحاظ آماري معنی‌دارند و می‌توان از تمامی مقادیر برای محاسبه مقدار میانگین سطح مخارج استفاده کرد. بر همین اساس، در نسل‌های سنی مقدار میانگین مخارج مصرفی سرپرست‌های خانوار بالاتر از خط فقر قرار دارد. بنابراین، نسل‌ها درون تله فقر قرار نمی‌گیرند.

فرضیه دوم: سرپرست‌های خانواری که با لحاظ اثرهای تصادفی (در این حالت ناهمگنی بین خانوارها لحاظ نشده و تمامی خانوارها همگن فرض شوند، در این صورت تفاوت‌های افراد گوناگون با یکدیگر اعم از شرایط شغلی، اجتماعی، اقتصادی و غیره نادیده گرفته می‌شود) برآورد شده‌اند نیز درون تله فقر قرار نمی‌گیرند.

جدول ۵- بررسی احتمال وقوع تله فقر در تابع درجه سوم با لحاظ اثرات تصادفی.

اثرات ثابت نسل	R-sq (between)	Prob	-T ضرایب	Std. Err.	مقدار ضرایب	شاخص‌های آماري
—	0/97	0/00	-1/81	0/901267	-1/633977	بتا یک
—	0/97	0/00	2/64	2/09e-07	5/54e-07	بتا دو
—	0/97	0/00	-3/01	1/34e-14	-4/02e-14	بتا سه
Mean						مقدار جواب
3117112						

✓ منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول 5 همانند نتایج پیشین تمامی مقادیر بتا از لحاظ آماری معنی دارند. هم چنین، در این حالت و حالت پیش شرط لازم برقرار بوده و مقدار میانگین مخارج مصرفی بالاتر از میانگین سطح خط فقر است. بنابراین، در این حالت نیز احتمال وقوع تله فقر وجود ندارد.

بررسی ناهمسانی واریانس

مشکل ناهمسانی واریانس در داده‌های مقطعی متداول‌تر از داده‌های سری زمانی است. در داده‌های مقطعی معمولاً در مورد اعضاء جامعه در یک مقطع زمانی خاص بحث می‌شود مانند خانوارها، شرکت‌ها، زیر بخش‌های جغرافیایی همانند استان، کشور، شهر و غیره. با توجه به این که داده‌های پانلی از داده‌های مقطعی و سری زمانی، تشکیل شده است، باید در مورد این داده‌ها نیز آزمون تشخیص وجود ناهمسانی واریانس انجام شود. برخی از عوامل کیفی می‌توانند به غیر از متغیرهای توضیحی مدل در مورد تابع مورد نظر تأثیر داشته و قابل اندازه‌گیری نباشند، این‌گونه متغیرها اثرهای خود را در پسماند مدل مورد بررسی نشان خواهند داد که ممکن است واریانس‌های گوناگون در مقاطع وجود داشته و در نتیجه، ناهمسانی واریانس وجود داشته باشد. در این مطالعه با استفاده از نرم‌افزار STATA 11 آزمون ناهمسانی واریانس¹ LRTTest انجام گرفته است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر نبود ناهمسانی واریانس و فرضیه مقابل آن به معنای وجود ناهمسانی واریانس هست. بر اساس نتایج بدست آمده از این آزمون فرضیه H_0 رد می‌شود. بنابراین، نتایج این آزمون نشان‌دهنده وجود ناهمسانی واریانس است. در نتیجه برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش² GLS استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

رشد روزافزون خانوارهای زن‌سرپرست پدیده‌ای است که به استناد آمارهای رسمی کشور به وقوع پیوسته است. در کنار رشد کمی این پدیده، تغییرات کیفی در ویژگی‌های اقتصادی این گروه از زنان از قبیل ترکیب درآمدی و فقر اقتصادی بخش قابل تأملی از این خانوارها، این موضوع را به مرور و بیش از پیش، از یک پدیده اجتماعی نسبتاً طبیعی به موضوعی اجتماعی از جنس آسیب تبدیل کرده است. هدف این مطالعه بررسی تله فقر به عنوان یک آسیب در بین خانوارهایی است که سرپرست آن‌ها متولدین 1310 تا 1350 هستند. با توجه به نتایج مطالعه میانگین سطح مخارج سرپرست‌های زن در حالتی که اثرهای ثابت لحاظ شده است برابر با 3132991 تومان و در حالت

¹ - Likelihood Ratio

² - Generalized Least Squares

بدون اثرهای ثابت میانگین مخارج 3117112 تومان بدست آمده است. در هر دو حالت مقدار میانگین سطح مخارج از مقدار میانگین خط فقر (مقدار خط فقر برابر 1161497 تومان بدست آمد) بالاتر بوده و بنابراین، احتمال وقوع تله فقر در هر دو حالت رد شد. بنابراین، بر اساس نتایج جدول های 3 و 4 فرضیه نخست و دوم هر دو تایید شدند.

نتایج این پژوهش با مطالعات ارایه شده به وسیله "پاکنیت" (Pakniat, 2011)، "لوکشین و راوالیون" (Michael Lokshin, Martin Ravallion, 2004) و "آنتمن و مکنزی" (Antman, 2006) (Mckenzie & همخوانی دارد. مطالعه "پاک نیت" (Pakniat, 2011) از این جهت همسو است که وی در مطالعاتش بیان می کند ایران به لطف سرمایه های طبیعی و رشد شتابان در تولید ناخالص داخلی توانسته است از تله های فقر بگریزد. بر اساس یافته های "لوکشین و راوالیون" (Michael Lokshin, Martin Ravallion, 2004) در پویایی های درآمدی در مجارستان و روسیه هیچ مدرکی از اثر آستانه ای که مرتبط با تله فقر باشد، پیدا نشد. "آنتمن و مکنزی" (Antman, 2006 & Mckenzie) در پژوهشی که با استفاده از داده های شبه پانل در طی سال های 1987 تا 2001 انجام دادند به این نتیجه رسیدند که هیچ کدام از نسل های سنی و تحصیلی دچار تله فقر نشده اند.

بر همین اساس، می توان نتیجه گرفت خانواده های زن سرپرست با این که دارای مشکلات متعددی هستند، ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تاثیر می گیرند و نمی توانند بر مشکلات خود فایق آیند. لفظ آسیب پذیر به این گروه به گونه مطلق و فراگیر درست نیست زیرا به این ترتیب، واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایط شان نادیده گرفته می شود. در واقع، فقر و آسیب پذیری مقوله ای طبقاتی است نه جنسیتی. به بیان دیگر، زنان یا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب پذیری نیستند بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده پایین اجتماع قرار می گیرند، بیش تر در معرض آسیب هستند. مهم ترین شاخص تعیین طبقه عبارت است از شاخص درآمد، تحصیل، شغل، یعنی همه زنان آسیب پذیر نیستند بلکه گروهی که درآمد کم تر، تحصیلات کم تر و شغل کم منزلت تر دارند و در طبقه پایین اجتماع قرار دارند آسیب پذیرند و در تله فقر قرار می گیرند.

این مطالعه از محدودیت هایی نیز برخوردار است. از جمله:

1. نمونه مورد استفاده در این مطالعه مربوط به سطح کل کشور است. در صورتی که بهتر است تله فقر به صورت استانی مورد بررسی قرار گیرد. البته، جهت بررسی نسلی تله فقر در بین خانوارهای استان ها باید تعداد مشاهده ها کافی باشد. در این مطالعه به دلیل کافی نبودن تعداد مشاهده ها در سطح استانی تله فقر در سطح کشور بررسی شد.

2. در این مطالعه در نسل‌های سنی ساخته شده هیچ تفکیکی بر اساس تحصیلات و یا شغل رخ نداده است. دلیل این امر کاهش سطح مشاهده هاست. در صورتی که نسل‌هایی با فاصله‌های سنی بیش تر ساخته شود، این امکان وجود دارد که تعداد مشاهده‌ها در هر نسل افزایش یابد. در این حالت می‌توان تله فقر را از منظر نسل‌های تحصیلی و یا شغل سرپرست‌های زن مورد بررسی قرار داد.

3. از سوی دیگر، در این مطالعه نسل‌های سنی 1310 تا 1350 مورد بررسی قرار گرفتند که سرپرست‌های آن‌ها دارای سطح قابل قبولی از درآمد بودند در صورتی که مطالعه‌ای در مورد نسل‌های سنی جوان تر صورت گیرد، این امکان وجود دارد که آن نسل‌ها زیر خط فقر قرار گیرند. زیرا سرپرست‌های سنی جوان به دلیل نداشتن شغل یا بنیه اقتصادی قوی معمولاً نسبت به سایر نسل‌ها دارای سطح درآمد و مصرف کم تری می‌باشند.

4. در بررسی تله فقر بهتر است این پدیده به صورت درون نسلی نیز انجام شود. به این صورت که احتمال وقوع تله فقر در هر نسل به گونه جداگانه برآورد شود. البته، در این نمونه به دلیل کاهش تعداد مشاهده‌ها امکان برآورد نتایج وجود نداشت.

Reference

- Sheferd, A. (2008). The Chronic Poverty Report 2008-09: Escaping poverty traps. (Manchester, UK: Chronic Poverty Research Centre).
- Antman, F. & Mckenzie, D. (2008). poverty traps and nonlinear income dynamics with measurement error and individual heterogeneity. *Journal of Development Studies*.
- Azariadis, C. (2004). Poverty traps. *Handbook of Economic Growth*, 1(1), 541-603.
- Azevedo, V. & Robles, M. (2010). Geographical Poverty Traps in Ecuador using Pseudo Panel Data. *Work in Progress-Comments Welcome*.
- Bastos, A. et al. (2009). women and poverty: a gender-sensitive approach. *Journal of Socio-economics*, 38, 764-778.
- Chambers, R. (1989). Vulnerability and how the poor cope. In: *IDS Bull*, 20(2), 1-7.
- Chiodi, V. (2009). Poverty Traps and Low Income Dynamics in Rural Mexico. *Paris School of Economics*; 48 boulevard Jourdan, 75014 Paris.
- Deaton, A. (1985). Panel Data From Time Series Of Cross-Sections. *Journal of Econometrics*, 30, 109-126.
- Deaton, A. (1997). *The Analysis of Household Surveys, A Microeconomic Approach to Development Policy*, World Bank. The Johns Hopkins University Press. Baltimore and London.
- Ghafari, M. (2003). Several role of women headed households and opportunities and challenges. *journal of woman (PERSIAN)*.

- Gaspart, F. and Thomas, A. (2012). Does poverty trap rural Malagasy?. Université catholique de Louvain.
- Houghton, J. & S. R. Khandker. (2009). Handbook on Poverty and Inequality. International Bank for Reconstruction and Development World Bank. Washington, DC: The World Bank Group.
- Hien, V. (2011). Income Distribution and Poverty Traps in Vietnam. CIFREM, University of Trento.
- Lokshin, M. & Ravallion, M. (2004). Household income dynamics in two transition economies. studies in nonlinear dynamics and econometrics, 8(3).
- Matsuyama, K. (2008). Poverty trap. From The New Palgrave Dictionary of Economics, second edition.
- Nurkes, R. (1953). Problems of Capital Formation in Underdevelopment Countries. New York: Oxford University.
- Pakniat, M. (2012). Poverty traps in the economy based on natural sources. Journal of Economic Research, 12(45) (PERSIAN).
- Pressman, S. (2003). Feminist explanations for the feminization of poverty. Journal of Economic Issues, 36 (2), 353-361.
- Raghfar, H. (2007). Poverty traps, relative deprivation and social justice. Journal of Economics and Society, 3(12) (PERSIAN).
- Ravallion, M. & Jalan, J. (2004). Household Income Dynamics in Rural China. Indian Statistical Institute and the World Bank.
- Ravallion, M. (1998). *poverty lines in theory and practice*. working paper No. 133.
- Samaie, K. (2011). Study of intergenerational savings. Msc thesis, Faculty of economic science, shrif univercity (PERSIAN).
- Statistical Center of Iran. (1990-2011). Information on the costs and income urban households. tehran: Published by the Statistical Center of Iran.
- world bank. (1999). Report on Human Development the Islamic Republic of Iran. Publications Management Planning.

